

IDW®

#9

RICE  
FLEECES  
BRECKEL

# my LITTLE PONY

Sweet  
FRIENDS  
FOREVER



به یک واسطه جهت آشتی دادن  
دو برادر نیازمندیم!

CA 2014



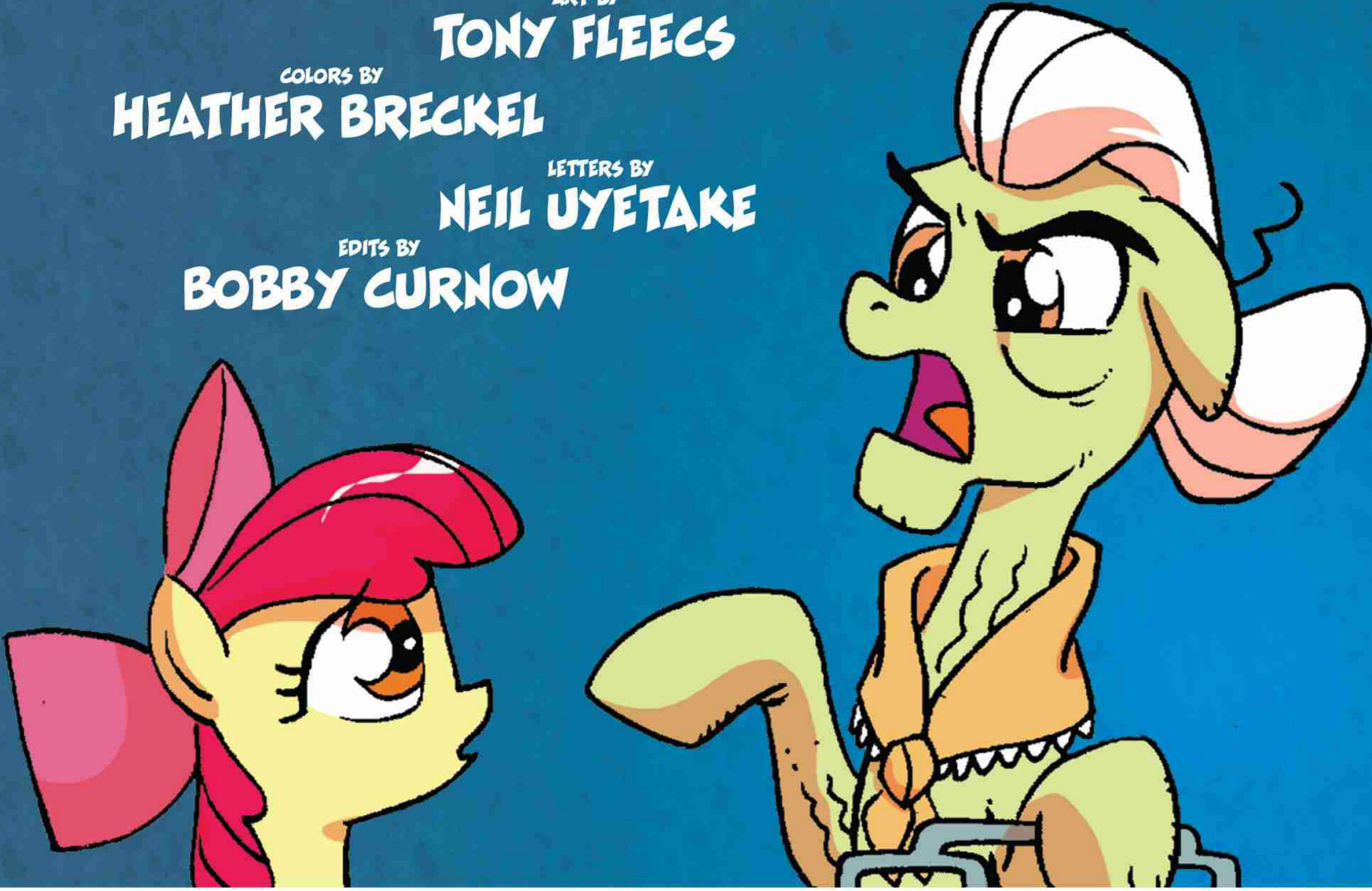
WRITTEN BY  
**CHRISTINA RICE**

ART BY  
**TONY FLEECES**

COLORS BY  
**HEATHER BRECKEL**

LETTERS BY  
**NEIL UYETAKE**

EDITS BY  
**BOBBY CURNOW**



پونی کوچولو دوستی جاودانه

قسمت نهم

مترجم و گرافیسٹ: Diablos  
ایمیل: [hniazpoor@yahoo.com](mailto:hniazpoor@yahoo.com)

Special thanks to Erin Comella, Robert Fewkes, Joe Furfaro, Heather Hopkins, Pat Jarret, Ed Lane, Brian Lenard, Marissa Mansolillo, Donna Tobin, Michael Vogel, and Michael Kelly for their invaluable assistance.

**IDW**® Licensed By:  




Ted Adams, CEO & Publisher  
Greg Goldstein, President & COO  
Robbie Robbins, EVP/Sr. Graphic Artist  
Chris Ryall, Chief Creative Officer/Editor-in-Chief  
Matthew Ruzicka, CPA, Chief Financial Officer  
Alan Payne, VP of Sales  
Dirk Wood, VP of Marketing  
Lorelei Bunjes, VP of Digital Services  
Jeff Webber, VP of Digital Publishing & Business Development

Facebook: [facebook.com/idwpublishing](https://facebook.com/idwpublishing)

Twitter: [@idwpublishing](https://twitter.com/idwpublishing)

YouTube: [youtube.com/idwpublishing](https://youtube.com/idwpublishing)

Instagram: [instagram.com/idwpublishing](https://instagram.com/idwpublishing)

deviantART: [idwpublishing.deviantart.com](https://deviantart.com/idwpublishing)

Pinterest: [pinterest.com/idwpublishing/idw-staff-faves](https://pinterest.com/idwpublishing/idw-staff-faves)



MY LITTLE PONY

The IDW logo is

coincidental. Wi

IDW Publishing does not read or accept unsolicited submissions of ideas, stories, or artwork.



EMBER 2014. FIRST PRINTING. HASBRO and its logo, MY LITTLE PONY, and all related characters are trademarks of Hasbro and are used with permission. © 2014 Hasbro. All Rights Reserved.

Trademark office. IDW Publishing, a division of Idea and Design Works, LLC. Editorial Offices: 5080 Santa Fe Street, San Diego CA 92109. Any similarities to persons living or dead are purely

for review purposes, none of the contents of this publication may be reprinted without the permission of Idea and Design Works, LLC. Printed in Korea.





خواهر، رسیدیم؟  
از خستگی مردم!

خانوم خانوما، چند دقیقه  
دیگه می‌رسیم. یه پیچ دیگه  
تا اپل‌کان مونده.

آررره!

من نمی‌فهمم  
چرا این قدر  
عجله داریم؟



اون موقع که جوون بودم، رفتن  
به اپل‌کان فرصت خوبی برای  
گپ زدن با دوست و آشنا بود.

تازه از پرورش دهنده‌های  
پُر افاده پرتقال و توت  
خبری نبود.  
می‌شد از نحوه  
جدید کاشت سیب  
و روزهای بارونی  
مطلع شد.



این روزها همه جا شلوغ پلوغ  
و احمقونه است.

اما مامان بزرگ گرنی، می‌دونی  
که به درآمد روز اول فصل تولید  
شربت سیب نیاز داریم.

آررره!

من هم  
فهمیدم.





خواهر کوچولو،  
دیگه رسیدیم.

# APPLE CON 45

چهل و پنجمین جشنواره فروش اپل کان

شگفت انگیزه!

به! بوی دردرس  
می شنوم.





فکر کنم همین قدر کافی باشه. حالا باید سیب‌ها رو به غرفه ببریم و سفارش بگیریم.

آررره.

خواهر، می‌تونم یکی از اون سیب پوست‌کندهای مدل جدید بخرم.

البته. فکر کنم صف فروش اون طرف باشه.

سفارش خرید سال آینده را امروز بدهید.

Welcome to SWEET APPLE Acres



EXCLUSIVE!  
توجه! صف فروش سیب پوست‌کن این‌جاست.



خب، فکر کنم برای گرفتن نشون زیبایییم باید بیشتر صبر کنم.



گرنی، می‌خواهی همراه من به صف بیای؟

به! من تو اون صف پیر شدم.

می‌خوام یه دوری بزنم و ببینم که اون پرتقال و توت فروش‌ها امسال چه دروغ‌هایی قطار کردن.





سیب پوست کن های جینگیلی مینگیلی خودتون رو از ما بخرید.



چی شد؟ این صدا به گوشم آشناست.



سیب پوست کن‌های  
جینگیلی مینگیلی ۸۰۰۰ خودتون  
رو از ما بخرید.

آتش زدم به مالم.  
هیچ پیشنهادی برای  
سیب پوست کن‌های  
جینگیلی مینگیلی ما  
ندارید؟

نبود؟

حتما بوی پرتقال تو  
کلم پیچیده و اشتباه  
می بینم.

تو یکی از اون  
برادرهای احمق  
فلیم فلم نیستی؟



خوشم باشه! تو این غرفه نیست.  
پس این بار می خواین کلاه پونی‌ها  
رو جداگونه بردارین.

ما نقشه نکشیدیم. اصلا  
نمی دونم فلم کجاست.

از این قصه‌ها گوشم  
پره. شیش دنگ  
حواسم به تو هست.







نمی دونم چرا از این کله پوک رو این جا می بینم اینقدر عصبانی هستیم...

سیب پوست کن های جینگیلی مینگیلی خودتون رو از ما بخرید.



می دونم دیگه! اون پر تقال فروش...

هیچ پیشنهادی برای سیب پوست کن های جینگیلی مینگیلی ما ندارید؟



چرا تو، تو، تو، ای آدم پست!

گرنی! سلام.

من نمی دونم که تو و اون برادرت با غرفه های جدا چه نقشه ای کشیدین!



فلیم؟ دیدنش؟ اون این جاست؟ چند هفته است که با اون حرف نزدیم.



از این قصه ها گوشم پره. چند هفته؟ فکر کردی می تونی شیش دنگ حواسم به تو هست. با این دورغ ها سرم شیره بمالی؟





باورت نمی شه الان کی رو دیدم. اون برادرهای دست کج فلیم و فلام رو.

می گن که با هم حرف نمی زنن اما من تو گتم نمی ره. باید سر از کارشون دربیارم.

اون ها پونی های درست و حسابی ای نیستن، گرنی. تو باید از اون ها دوری کنی.



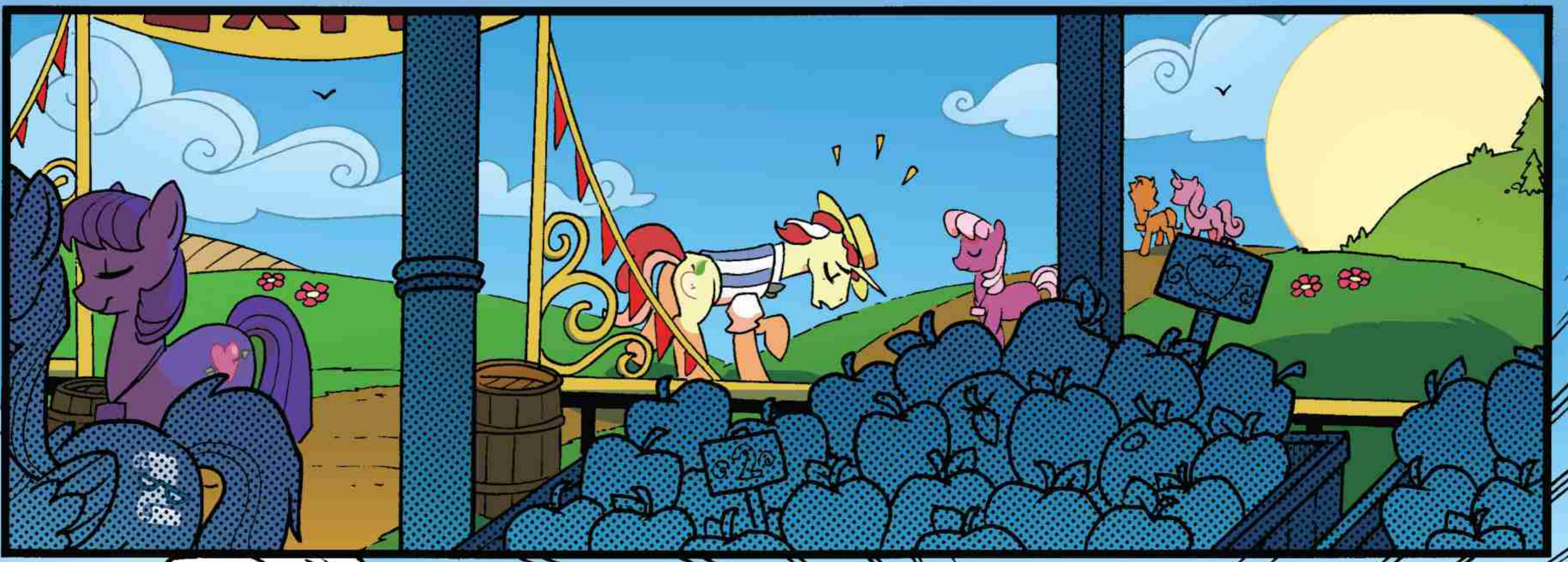
دوری کنم؟  
عمر اگه بگذارم سر پونی های دیگه کلاه بره.



گرنی، منظورت مثل خودت بود دیگه. اون ها پونی های بدی هستن و باید ازشون دور بمونی.

فکر کنم اون ها یه نقشه ای کشیدن.

آررره.

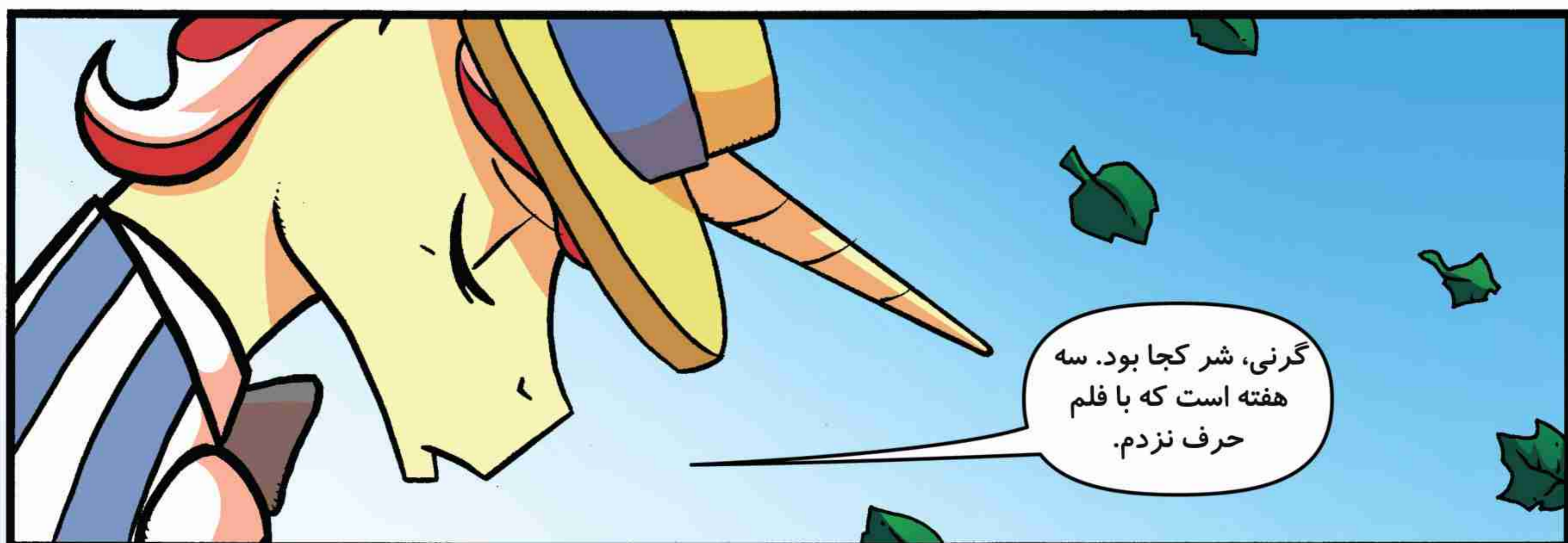


آها، می دونستم که یه نقشه ای کشیده و باید برم مشتش رو باز کنم.

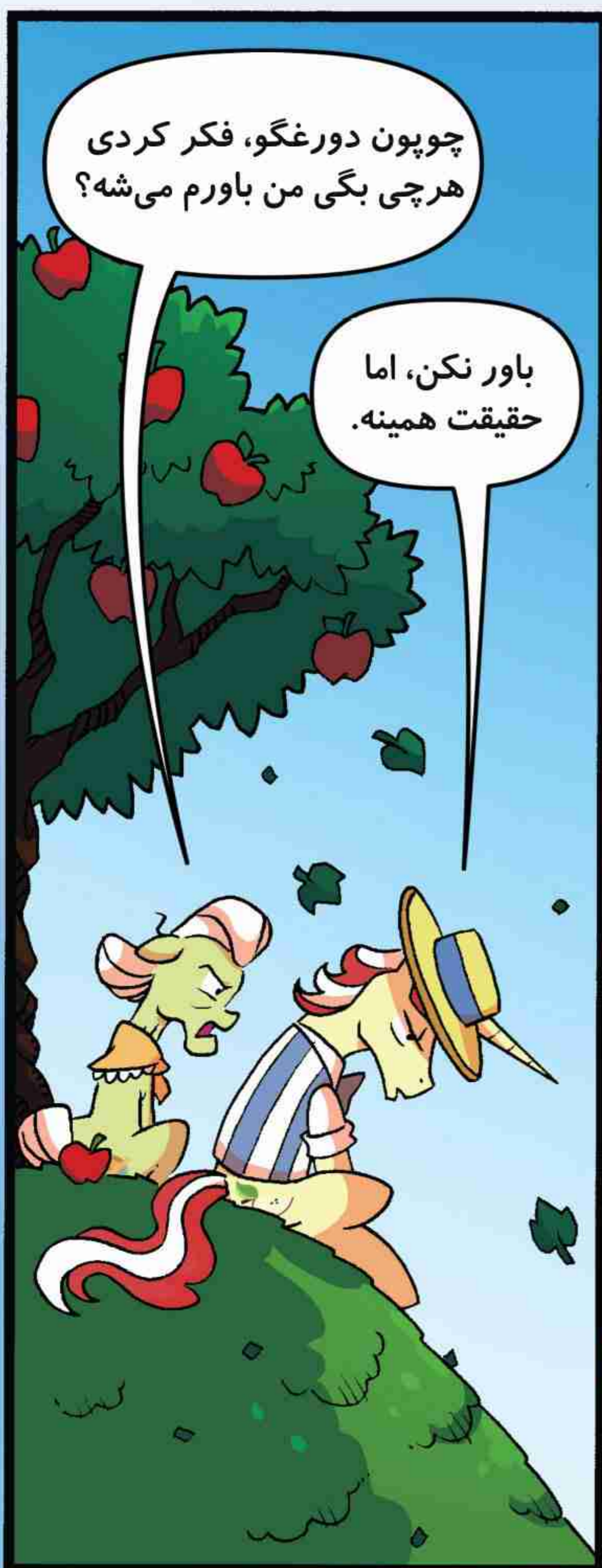








گرنی، شر کجا بود. سه هفته است که با فلم حرف نزدیم.

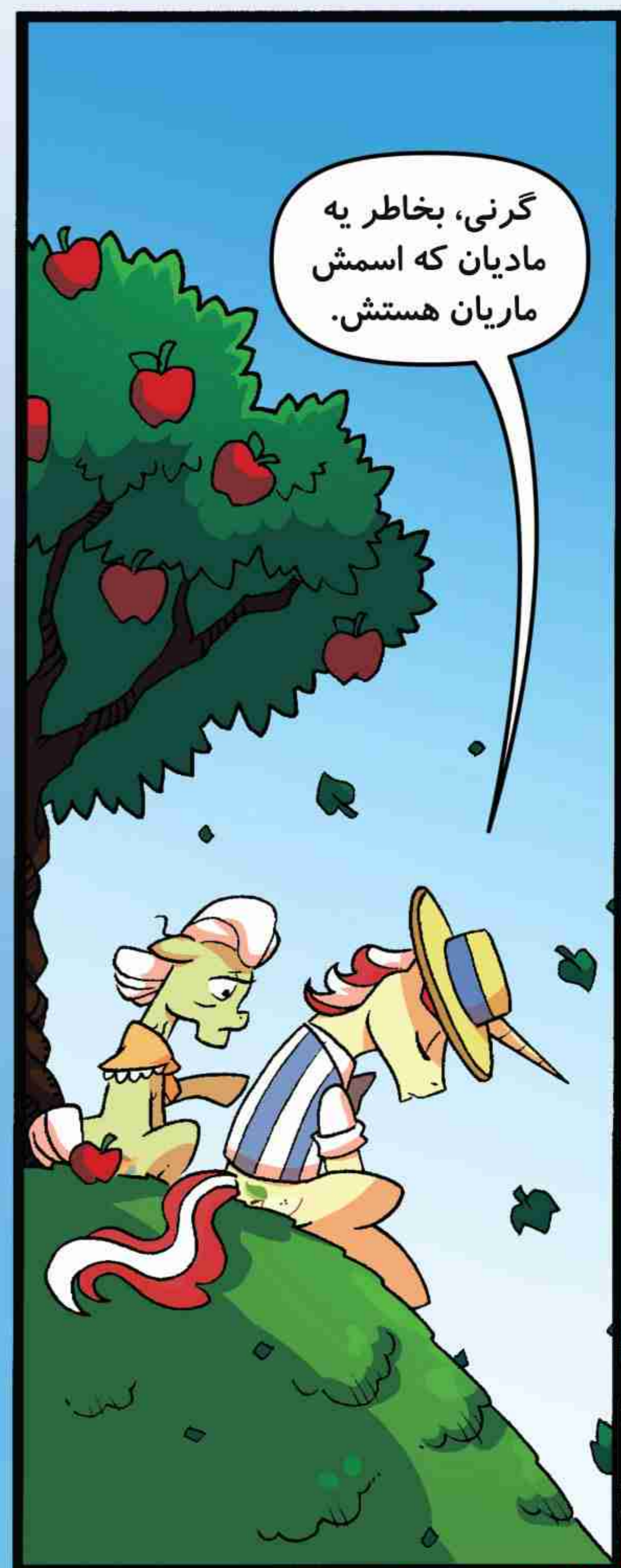


چوپون دورگگو، فکر کردی هرچی بگی من باورم می‌شه؟

باور نکن، اما حقیقت همینه.



شما دو تا آفتابه دزدها برای چی باهم حرف نمی‌زنین؟



گرنی، بخاطر یه مادیان که اسمش ماریان هستش.



یه مادیان؟ مگه اون چیکار کرده؟



حدود سه هفته پیش به جایی  
همین دور و برا.

یه روزی بود مثل همه  
روزای خدا. ما سر کار  
بودیم و سر و صدا  
می کردیم.

بعدش ماریان اومد. ما  
به شهرهای زیادی سفر  
کردیم ولی به پونی مثل  
اون ندیده بودیم.

زیبا و معصوم، ماریان نگاه می کرد  
هم به من هم به اون.

و ما دو تا شیفته  
اون شدیم.



و انگار من و فلم، هر  
دو اون رو می خواستیم.

ولی اون یکی یه دونه  
بود و ما دو تا.

بعد ما برای جلب توجه  
ماریان زیبا باهم رقابت  
کردیم.

هر کدوم از ما تلاش می کرد تا  
دیگری رو از میدون به در کنه.

بعد بین ما بهم خورد. علاقه ما به ماریان باعث شد  
تا حرف های زشتی بهم بزنیم.

اما بی فایده بود چون دست آخر  
ماریان هر دوی ما رو رد کرد.





فکر کنم که ماریان به هیچ کدوم از ما علاقه نداشت.

ما دو تا انقدر درگیر ماریان بودیم که فراموش کردیم چیزی به مردم بفروشیم.

شایدم همش نقشه اون بود.

انگار پونی حيله گری بوده.



نه، اون شگفت انگیز بود.

پس چی شده؟



انگار زیاده روی کردین.

اون هم یه پونیه دیگه. شما واقعا گذاشتین که یه مادیان بینتون قرار بگیره؟

از اون به بعد، ما از هم جدا شدیم. بخاطر رفتار فلم، فکر نکنم دیگه بخوام با اون صحبت کنم.

آره، گذاشتیم. همه چی خراب شد. والسلام، قصه تمام.



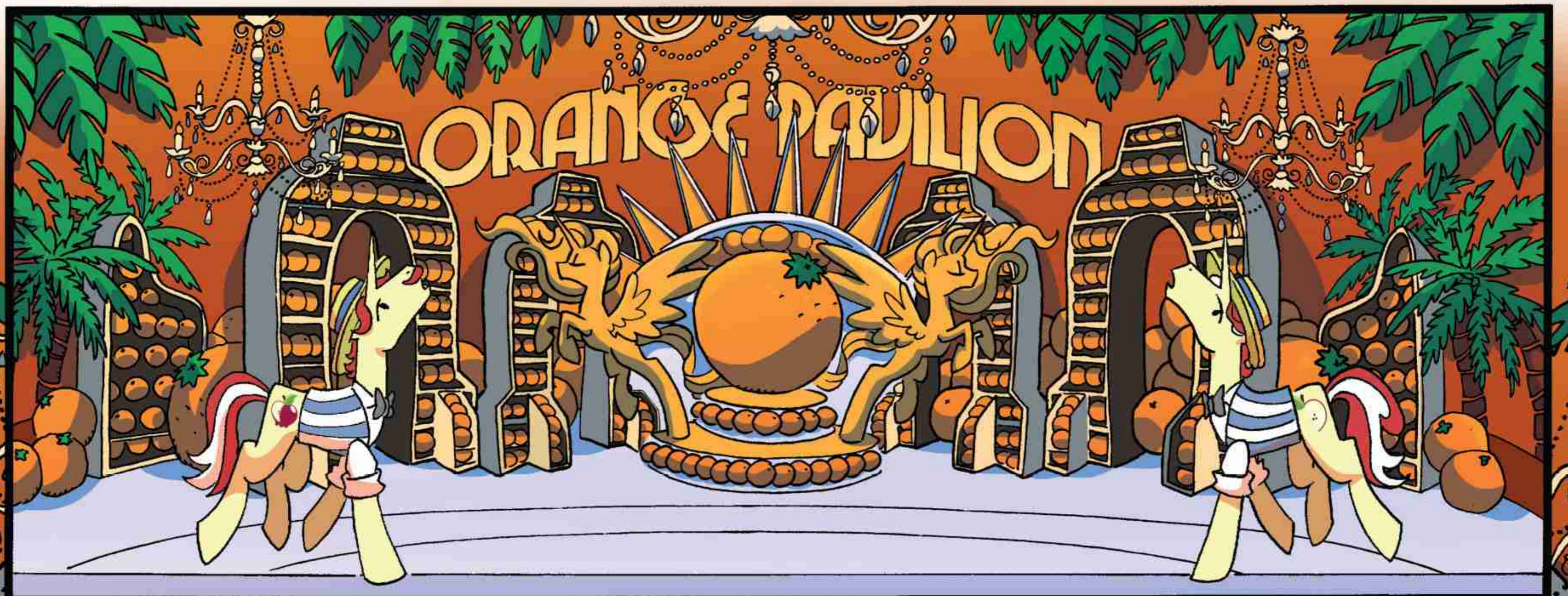
مدتی بعد...

بیخشید گرنی، اما حرفهایی که اون به من زده...

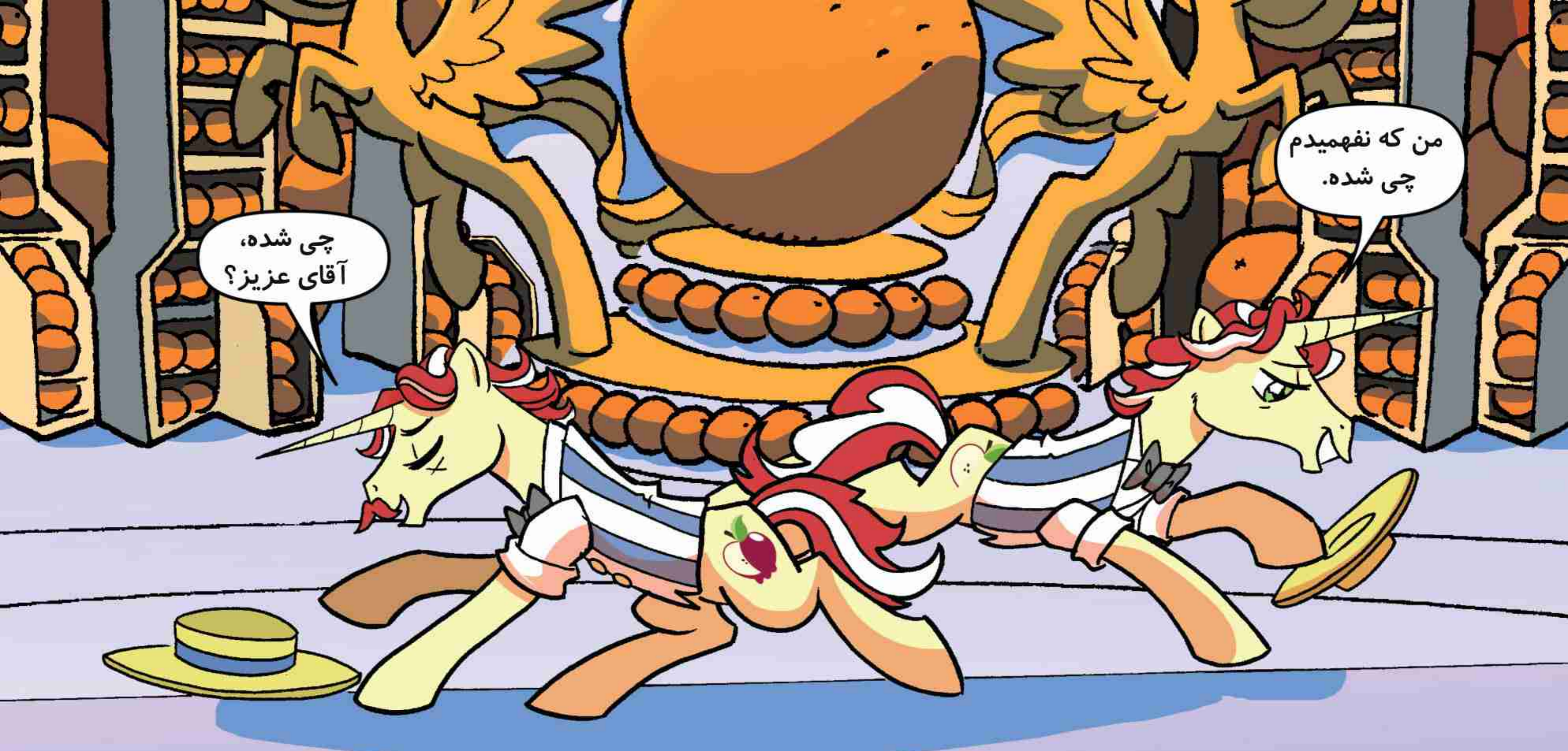
دیگه از شرکت برادران فلیم فلم خبری نیست.

باید بشه اوضاع رو روبراه کرد.











# تمومش

# کنید!



گرنی؟ این جا  
چیکار می کنی؟

تو ما دو تا رو  
کشوندی این جا؟

بله، پسرها.



اما چرا؟

ما که هیچوقت...

... با تو خوب  
نبودیم.



به شما می گم، پسرا.  
چون شما باهم برادرید.  
برادرها نباید باهم  
دعوا کنن.

البته می خواستم اگه دعواتون  
شد، سیبها در امان باشن و  
پرتقالها داغون بشن.



بیخشید، گرنی. اما ما با هم  
کاری نداریم. برادر من نباید  
با من این طوری رفتار می کرد.

بله، دقیقا. ما قهر  
هستیم.



پسرها، به قصه من گوش  
بدین. من می دونم چه  
اتفاقی افتاده چون قبلا به  
چشم خودم دیدم.



سال‌ها پیش بود، اون‌قدر  
که حالا خوب یادم نمی‌آد.



شاید باورتون نشه  
ولی دارم در مورد  
اون قدیم ندیما  
حرف می‌زنم. ان‌قدر  
خاطرخواه داشتم که  
به شمارش نمی‌اومد.



اما توجه من به دو برادر بود. برادران جواگلد.  
هر دو آقا و با وقار بودن و ان‌قدر من رو  
می‌خواستن که نگو و نپرس.



اما بد روزگار این بود که نمی‌تونستم بین اون‌ها انتخاب  
کنم. اون‌ها از عصبانیت با هم درافتادن تا یکی از اون‌ها  
برنده بشه، ولی من از دیدن جنگ اون‌ها ناراحت شدم.



کاری که انجام دادن اون‌قدر غمگینم  
کرد که تصمیم گرفتم بجای تماشای  
دعوای اون‌ها، هر دو رو ترک کنم.



اما هنوزم که هنوزه اون دو  
تا برادر با هم حرف نمی‌زنن.







و من همیشه واسه این وضعیت خودم رو مقصر می‌دونم.

شما دو نفر می‌خواین به خاطر یه مادیان مابقی عمرتون از هم جدا باشین؟



مابقی عمرم؟ هیچوقت به این موضوع فکر نکرده بودم.

خب، گرنی. فکر کنم منظورت رو فهمیدم.



برادر، فکر کنم وقتشه که کینه‌ها رو دور بریزیم. من بخاطر رفتار بدم از تو عذرخواهی می‌کنم.

اوه، درسته برادرم. بیا گذشته رو فراموش کنیم و به شهر بعدی سفر کنیم.

در ضمن، چطور انتظار داشتیم که ماریان بین ما انتخاب کنه.

**برادران  
مشهور  
فلیم و فلم  
برگشتن**



گرنی، تو فوق العاده‌ای.

ما چطور می‌تونیم لطف تو رو جبران کنیم؟

اول این که من رو ول کنین.

دوم این که چطوره بزنین دم و دستگاه این پرتقالی‌ها رو بهم بریزین؟





پس شما دو نفر برگشتین.  
وقتی من و بیگ مک این جا  
کار می کردیم، شما دو نفر  
کجا بودین؟



من تو صف وایساده بودم، ولی  
وقتی نوبتم رسید گفتن که اون  
سیب پوست کن های احمقانه  
تموم شده.  
بعد همراه با گرنی  
به یکی از غرفه ها  
رفتم.



اوه! به نظر من که  
خیلی بد نبود.



خب، بچه ها. دیگه آخر  
هفته تموم شده  
و باید بریم.

آررره.

چرا مردم اون جا  
جمع شدن؟

خیلی عالییه.  
من هم می خوام.

OOH!  
GIMME!  
HOORAY!



آی خونه‌دار و بچه‌دار  
زنبیلو بردار و بیار.  
فلیم فلم برا شما  
هدیه داره هزار هزار.

پوست گیر هشت هزار واسه  
هر میوه‌ای می‌آد به کار.  
آی خانوما، بیاین جلو  
آی آقاییون، کنار کنار.

# The Fabulous FLIM FLAM BROTHERS WELCOME!

فلیم فلم برا شما  
هدیه داره هزار هزار.  
آی خونه‌دار و بچه‌دار  
زنبیلو بردار و بیار.



خب، گرنی. این دو برادر  
که خیلی شاد شنگولن.  
فکر کنم همه چی زیر سر  
شما باشه!

اصلا نمی دونم در  
باره چی حرف  
می زنی.

The Fabulous  
FLAM BROTHERS'  
SPEECH

ای بابا! شاید  
یکمی بدونم!

چرا گرنی؟ اون‌ها  
که به ما بدی کردن.

اپل بلوم، خانواده و  
دوستان مهم‌ترین افراد  
در زندگی ما هستن.

گاهی اوقات باید این  
نکته یادآوری بشه.

این حتی برای برادران  
شیطون فلیم و فلم  
هم لازمه.

برای باغدارهای  
پرتقال هم  
همین طور؟

اسم اون‌ها رو  
جلوی من نیار!